

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بنیاد نهج البلاغه به منظور آشنایی بیشتر نسل جوان و دانش آموز سراسر کشور با فضای نهج البلاغه و فرهنگ علوی و استفاده بهینه از اوقات فراغت، حفظ چهل حدیث از نهج البلاغه را به مسابقه گذارده است. علاقه‌مندان می‌توانند از این فرصت حداکثر بهره‌برداری را نموده و فکر و دانش خود را با کلمات نورانی مولای متقیان علی علیه السلام آشنا کرده و در نتیجه زندگی خود را به برکت آن محتوا و مفهوم گرانقدر، رونق و صفا بخشند.

این چهل حدیث از کلمات قصار نهج البلاغه انتخاب، ترجمه و عنوان گذاری شده است، شماره‌هایی که در پایان احادیث ملاحظه می‌شود، شماره‌ی کلمات قصاری است که در نهج البلاغه چاپ بنیاد و نیز ترجمه مرحوم فیض الاسلام آمده است و شماره آغاز هر حدیث شماره ترتیب پیوسته در این جزوه می‌باشد. برای حفظ این احادیث لازم است هر حدیث را به طور صحیح چند بار بخوانید تا حفظ شوید و سپس ترجمه آن را به دقت مرور کرده و پس از درک و دریافت مطلب و فکر کردن درباره آن و احیانا بحث و گفت و گو درباره آن به حفظ آن بپردازید.

برای بهتر فراگرفتن احادیث مزبور خوب است که به اصل کتاب نهج البلاغه هم مراجعه شود و احادیث و ترجمه آن‌ها را از متن کتاب هم مطالعه کنند تا آشنایی بیشتر با این گنجینه ارزشمند پیدا کنند.

موفقیت شما را از خداوند متعال خواهانیم.

معاونت آموزش بنیاد نهج البلاغه

درزشتی طمع

(۱) أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الطَّمَعَ، وَ رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ ضُرَّهُ، وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ. (حکمت ۲)

آن که طمع را شعار ساخت شخصیت خود را باخت، و آن کس که سفره دل نزد هر کس بگشاد به خفت و خواری خود رضایت داد، و هر کس که زبانش فرمانروای او باشد ارزش خود از دست خواهد داد.

درزشتی بخل

(۲) الْبُخْلُ عَارٌ، وَ الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ، وَ الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفُطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ، وَ الْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ، وَ الْعَجْزُ آفَةٌ، وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ، وَ الزُّهْدُ ثَرْوَةٌ، وَ الْوَرَعُ جَنَّةٌ. (حکمت ۳)

بخل ننگ است و ترس نقص، و ناداری زبان زیرک را از بیان دلیل خود بندد، و تنگدست در شهر خود غریب نماید، ناتوانی آفت است و صبر شجاعت، زهد ثروت است و پارسایی سپر.

درزشتی خودبینی

(۳) مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ، وَ الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ، وَ أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصْبٌ أَعْيُنِهِمْ فِي آجِلِهِمْ. (حکمت ۶)

از خودراضی، ناراضیان زیادی خواهد ساخت؛ و صدقه داروی بهبود و شفاست؛ و کردار بندگان در دنیا، رویارویشان است در روز جزا.

انسان موجود شگفت‌انگیز

(۴) إِعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ يَنْظُرُ بِشَحْمِهِ، وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمِهِ، وَ يَسْمَعُ بِعَظْمِهِ، وَ يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرْمِهِ! (حکمت ۷)

شگفتا از این انسان که با اندک پیهی بیند، و با تکه گوشتی گوید، و با قطعه استخوانی شنود، و از دریچه‌ای تنفس کند!

علم زندگی

(۵) خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّمْ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عَشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ. (حکمت ۹)

با مردم چنان زی که در مرگت بگریند، و در بودت به سویت آیند و با تو انس گیرند.

عفو و گذشت

(۶) إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. (حکمت ۱۰)

چون بر دشمنت چیره شدی، گذشت را شکرانه این پیروزی قرار ده.

دوست‌یابی

(۷) أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ، وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ. (حکمت ۱۱)

آن کس که نتواند دوستی گزیند، ناتوان‌ترین مردم است؛ و آن که دوست خویش را از دست دهد، ناتوان‌تر از اوست.

حسب و نسب جایگزین همت و تلاش نشود

(۸) مَنْ أْبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ حَسَبُهُ. (حکمت ۲۲)

آن کس که در کارش کندی کند تبارش جبران نکند.

فریادری

(۹) مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ، وَ التَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ. (حکمت ۲۳)

توان گناهان بزرگ، فریادری ستمدیدگان و غمزدایی اندوهگینان است.

از معصیت پرهیز

(۱۰) يَا أَبْنِ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ فَآخِذْهُ. (حکمت ۲۴)

ای فرزند آدم، آنگاه که نعمتهای پروردگارت پیایی بر تو فرو بارد و تو او را نافرمانی کنی، بترس و برحذر باش.

از اسراف پرهیز

(۱۱) كُنْ سَمِحًا وَ لَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَ لَا تَكُنْ مُقْتَرًا. (حکمت ۳۲)

دستباز و بخشنده باش، ولی از ریخت و پاش پرهیز؛ و در زندگی اندازه نگه دار، اما سخت مگیر.

خبر خواهی

(۱۲) مَنْ أَسْرَعَ إِلَى النَّاسِ بِمَا يَكْرَهُونَ قَالُوا فِيهِ مَا لَا يَعْلَمُونَ. (حکمت ۳۴)
آن که با زبان هرچه خواست بر مردم تاخت، آنان نیز درباره او هرچه خواهند، بافت.

چهار نصلت نیکو

(۱۳) يَا بُنَيَّ احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا وَ أَرْبَعًا لَا يَضُرُّكَ مَا عَمِلْتَ مَعَهُنَّ: إِنَّ أَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ؛ وَ أَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمُقُ؛ وَ أَوْحَشَ الْوَحْشَةَ الْعُجْبُ؛ وَ أَكْرَمَ الْحُسْبِ حُسْنُ الْخُلُقِ. يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ؛ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَحِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ، وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ، وَ يُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ. (حکمت ۳۷)

پسر جانم، چهار نکته در فضایل و چهار نکته در رذایل از من یاد گیر، تا هیچ چیز به تو ضرر نرساند: بی نیازترین بی نیازی عقل است؛ بزرگترین ناداری نابخردی است؛ بالاترین وحشت، خودپسندی است؛ و ارزنده ترین تبار، اخلاق نیکوست. فرزند جانم، از دوستی با احمق بپرهیز، که اگر خواهد به تو سودی رساند سرانجام به تو ضرر زند؛ از دوستی با بخیل نیز دوری کن، که آنچه را سخت بدان نیازمندی از تو مضایقه کند؛ و همچنین از دوستی با فاسق و فاجر بپرهیز، که تو را به پیشیزی فروشد؛ و بالاخره با دروغگو هرگز دوست مشو، که چونان سراب است و با جادوی کلامش دور را نزدیک، و نزدیک را دور جلوه دهد.

زبان خردمند

(۱۴) لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ. (حکمت ۳۹)

زبان عاقل در سنگر قلب اوست و قلب نابخرد در پشت زبانش.

درباره خُتاب

(۱۵) يَرْحَمُ اللَّهُ خُبَابًا فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِبًا، وَ هَاجَرَ طَائِعًا، وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ، وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ، وَ عَاشَ مُجَاهِدًا. طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ، وَ عَمِلَ لِلْجِسَابِ، وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ، وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ. (حکمت ۴۱)

خدا رحمت کند خُتاب را که از صمیم دل اسلام آورد، و هجرتش از روی اطاعت بود، و به قدر حاجت قناعت می کرد، و از خداوند خشنود بود، و زندگی او جهاد بود. خوشا آنان که همواره به یاد رستخیزاند، و کارشان پسند دیوان محاسبات الهی است، و به زندگی ساده آبرومندانه بسنده کنند، و از خداوند شادمان باشند.

محبت امیرالمومنین (ع)

(۱۶) لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبَغِّضَنِي مَا أَبْغَضَنِي، وَ لَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُجِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي. وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «يَا عَلِيُّ لَا يُبَغِّضُكَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ». (حکمت ۴۲)

اگر با این شمشیرم بر فرق مؤمن زخم که مرا دشمن دارد هرگز نخواهد داشت، و نیز اگر همه دنیا را به کام منافق ریزم که مرا دوست بدارد، نپذیرد. و این از آن روست که چنین رقم زده شده و بر زبان پیامبر امی - درود خدا بر او و خاندانش - جاری گشته است که فرمود: «یا علی، فرد باایمان تو را دشمن نگیرد و منافق هم تو را دوست نبیند».

خودپسندی ممنوع

(۱۷) سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ. (حکمت ۴۳)

گناهی که شرمسارت سازد، نزد خدا بهتر است از کار نیکویی که خودپسندیت آرد.

ارزش انسان

(۱۸) قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ، وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ.

ارزش هرکس همسنگ همت اوست و راستی او به اندازه جوانمردی او و شجاعت او همتای شرم و حیای او و عفت او همپای غیرت او (حکمت ۴۴)

عفو و گذشت هنگام قدرت

(۱۹) أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ. (حکمت ۴۹)

سزاوارترین مردم به عفو کردن، توانمندترین آنها به کیفر دادن است.

ارزش عقل

(۲۰) لَا غِنَى كَالْعَقْلِ، وَ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ، وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَ لَا ظَهِيرَ كَالْمِشَاوَرَةِ (حکمت ۵۱)

هیچ بی نیازی چون عقل و هیچ بینوایی چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون رأی زدن با دیگران نباشد.

درباره قناعت

(۲۱) الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْقُذُ. (حکمت ۵۴)

قناعت ثروتی است پایان ناپذیر.

هشدار دهنده یعنی مرز دهنده

(۲۲) مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَرَكَ. (حکمت ۵۶)

آن که تو را هشدار دهد، چونان کسی است که تو را مرزده دهد.

مواظب زبانتان باشید

(۲۳) أَلَلْسَانُ سَبْعٌ، إِنْ خُلِّيَ عَنْهُ عَقَرَ. (حکمت ۵۷)

زبان درنده‌ای است، اگر رهایش کنی، بدرد.

جواب سلام

(۲۴) إِذَا حِيَّتْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيَّ بِأَحْسَنَ مِنْهَا، وَإِذَا أُسْدِيَتْ إِلَيْكَ يَدٌ فَكَافِئْهَا بِمَا يُرِي عَلَيْهَا، وَالْفُضْلُ مَعَ

ذَلِكَ لِلْبَادِي. (حکمت ۵۹)

آنگاه که درود و سلامت گفتند بهتر از آن پاسخ گوی و آنگاه که دستی از سر مهر و احسان به سویت دراز شد

افزون‌تر از آن پاداش ده، و در عین حال فضیلت از آن آغازگر است.

از نااهلان حاجت خواه

(۲۵) فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا. (حکمت ۶۳)

از دست شدن خواسته‌ها، آسان‌تر از خواستن از نااهلان است.

نومید مکن

(۲۶) لَا تَسْتَحْيِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ الْحَزِيمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ. (حکمت ۶۴)

از بخشش اندک شرم مدار، که نومید ساختن اندک تر از آن است.

پاکدامنی

(۲۷) الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى. (حکمت ۶۵)

پاکدامنی، آرایش درویشی و آبروی درویشان است؛ و سپاسگزاری، زینت توانگری و توانگران.

کمال عقل

(۲۸) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. (حکمت ۶۸)

اگر عقل به کمال رسد، سخن کم و کوتاه گردد.

ارزش به قدر تلاش نیکو

(۲۹) قِيَمَةُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُهُ. (حکمت ۷۸)

ارزش هر کس به کار نیکوی اوست.

پنج نکته اخلاقی

۳۰) أُوصِيكُمْ بِخَمْسٍ لَوْ صَرَنْتُمْ إِلَيْهَا آبَاطَ الْإِبْلِ، لَكَانَتْ لِدُلُكِ أَهْلًا: لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ؛ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ؛ وَ لَا يَسْتَحِينَنَّ أَحَدًا مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ؛ وَ لَا يَسْتَحِينَنَّ أَحَدًا إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ؛ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ. (حکمت ۷۹)

شمایان را به پنج چیز سفارش کنم که اگر برای به دست آوردن آنها بر مرکبهای بادپای سخت برنشینید، سزاست: هیچ یک از شما چشم امیدش جز به پروردگار نباشد؛ و جز از گناه او نهراسد؛ و آنگاه که از کسی درباره چیزی که نداند پرسند، شرم نکند که گوید ندانم؛ و هیچ کس از یادگیری شرم نکند؛ و بر شما باد به صبر، که صبر از ایمان چون «سر» از «بدن» است؛ و در پیکری که سر نباشد خیری نیست، همان گونه در ایمانی که صبر نباشد خیری نخواهد بود.

دو سرمایه امنیت

۳۱) كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ قَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فِدُونُكُمْ الْآخِرَ فْتَمَسَّكُوا بِهِ. أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. وَ أَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ). (حکمت ۸۵)

در روی زمین دو جان پناه بود که یکی از آنها از دست شد، پس همت کنید دو دیگر را پاس دارید، و بدان چنگ زنید. اما جان پناه نخست که از دست شد، رسول خدا - درود الهی بر او و خاندانش - بود، و جان پناه باقیمانده استغفار است. خداوند فرمود: «خدا مردم را عذاب نکند تا آنگاه که تو (پیامبر) در میانشان هستی، و نیز تا وقتی که استغفار کنند عذابشان نکند»

رابطه با خدا

(۳۲) مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ، وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ. (حکمت ۸۶)

آن که رابطه خود با خدا را نیکو دارد، خداوند نیز رابطه بین او و مردم را بهینه سازد، و کسی که کار آخرتش را سامان دهد، خداوند کار دنیای او را اصلاح کند، و آن که خود واعظ خویش باشد، خدا برای او نگهبان گمارد.

ارزنده ترین دانش ها

(۳۳) أَوْضَعُ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ. (حکمت ۸۸)

کم بهاترین دانش، مبادله اطلاعات و اظهار فضل است؛ و ارزنده ترین آن، عملکرد درست که در اعضا و جوارح است.

خوشبختی کجاست

(۳۴) وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَ وَلَدُكَ وَ لَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ، وَ أَنْ يَعْظَمَ حِلْمُكَ، وَ أَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ، فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدَتَ اللَّهَ، وَ إِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ. وَ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٍ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ؛ وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ. وَ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى، وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ؟ (حکمت ۹۱)

از آن حضرت پرسیده شد که خیر چیست؟ فرمود: خیر و خوبی آن نیست که مال و فرزندان زیاد گردد، بلکه خیر آن است که دانشت افزون و بردباریت عظیم گردد، و به بندگی پروردگارت مباحثات کنی، پس اگر کار شایسته کردی، خدای را ستایش کن؛ و اگر بد عمل نمودی، استغفار نما.

در دنیا دو کس بر خیر و خوبی‌اند: مردی که به گناهی دست یازیده، ولی با آب توبه آنها را شستشو داده است؛ دو دیگر آن که در خیرات پیشتاز است. بدانید که هیچ کار توأم با تقوایی کم نباشد، و چگونه کم باشد کاری که مورد قبول الهی واقع شود.

راز برآمدن حاجت

(۳۵) لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ؛ وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتَظْهَرَ؛ وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنَأَ. (حکمت ۹۷)

روا ساختن حاجت در پرتو سه امر است: کوچک شمردن آن، تا کارهای بزرگ انجام شود؛ پنهان نمودن آن، تا خود آشکار شود؛ و فوریت در آن، تا گوارا گردد.

اصلاح دین مقدم است

(۳۶) لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ. (حکمت ۱۰۳)

هر آن کس که به خاطر دنیا از دینش بکاهد، خداوند ضرر بیشتر را به رویش گشاید.

در راه حق پایدار باشید

(۳۷) لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ، وَ لَا يُضَارِعُ، وَ لَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ. (حکمت ۱۰۷)

پاسدار فرمان خدا نباشد، مگر آن که سازش نکند، و تن به خواری ندهد، و فرمانبر طمع‌ها نباشد.

۱۸ نکته اخلاقی

(۳۸) لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ، وَ لَا وَحْدَهُ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ، وَ لَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ، وَ لَا كَرَمٌ كَالْتَقْوَى، وَ لَا قَرِينَ كَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَ لَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ، وَ لَا فَايِدٌ كَالْتَوْفِيقِ، وَ لَا تِجَارَةٌ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ لَا رِنَحٌ كَالثَّوَابِ، وَ لَا وَرَعٌ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، وَ لَا زُهْدٌ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ، وَ لَا عِلْمٌ كَالْتَفَكُّرِ، وَ لَا عِبَادَةٌ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ، وَ لَا إِيمَانٌ كَالْحَيَاءِ وَ الصَّبْرِ، وَ لَا حَسَبٌ كَالْتَوَاضُعِ، وَ لَا شَرَفٌ كَالْعِلْمِ، وَ لَا عِزٌّ كَالْحِلْمِ، وَ لَا مَظَاهِرَةٌ أَوْثَقُ مِنْ مُشَاوَرَةٍ. (حکمت ۱۰۹)

هیچ ثروتی سودمندتر از عقل نیست؛ و هیچ تنهایی وحشتناک‌تر از خودبینی و خودپسندی، و هیچ عقلی چون مدیریت، و هیچ بزرگواری و بخششی چون پرهیزکاری، و هیچ همنشینی چون اخلاق نیکو، و هیچ میراثی چون تربیت و حسن معاشرت، و هیچ راهبری چون توفیق الهی، و هیچ تجارتی چون عمل صالح، و هیچ سودی چون بهره‌های آخرت، و هیچ پارسایی چون بازایستادن در برابر شبهه، و هیچ زهدی چون ترک حرام، و هیچ دانشی چون تفکر، و هیچ عبادتی چون انجام واجبات، و هیچ ایمانی چون حیا و صبر، و هیچ تباری چون تواضع، و هیچ شرافتی چون دانش، و هیچ عزتی چون بردباری، و هیچ پشتیبانی محکم‌تر از مشورت.

پایان کار را بگرد

(۳۹) شَتَانَ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ: عَمَلٌ تَذْهَبُ لِدَّتْهُ وَ تَبْقَى تَبِعُهُ، وَ عَمَلٌ تَذْهَبُ مَوْثِقَتُهُ وَ يَبْقَى أَجْرُهُ. (حکمت ۱۱۷)

چقدر تفاوت است بین دو کار: کاری که لذت آن به پایان رسد، ولی آثار تلخ آن برجای ماند؛ و کاری که رنج و زحمت آن تمام شود، ولی اجر آن ماندگار باشد.

٤٠) عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ، وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ. فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ، وَ يُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ. وَ عَجِبْتُ لِلْمُتَكَبِّرِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً وَ يَكُونُ غَدًا جِيفَةً، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ شَكَ فِي اللَّهِ وَ هُوَ يَرَى خَلْقَ اللَّهِ، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَ هُوَ يَرَى مَنْ يَمُوتُ، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ أَنْكَرَ النَّشْأَةَ الْآخِرَى وَ هُوَ يَرَى النَّشْأَةَ الْأُولَى، وَ عَجِبْتُ لِعَامِرِ دَارِ الْفَنَاءِ وَ تَارِكِ دَارِ الْبَقَاءِ. (حکمت ۱۲۱)

در شگفتم از بخیل! از فقری که می‌گریزد، زودتر بدان رسد؛ و ثروتی را که می‌طلبد از دست دهد. در دنیا چون فقیران زندگی کند؛ و در آخرت حساب ثروتمندان را از او خواهند. در شگفتم از متکبر، که دیروز نطفه بود و فردا مردار خواهد شد؛ و از آن که درباره خدا شک کند، ولی خلق خدا را ببیند؛ و از آن که مرگ را از یاد برد، درحالی که می‌بیند مردم می‌میرند؛ و از آن که آخرت، یعنی سرمنزل اصلی را انکار کند، ولی دنیا را که آغاز آن راه است ببیند؛ و از آن که در آبادی دنیای فانی کوشد، ولی خانه جاودانه را رها کند.